

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید
جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای
اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور
ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی
گسترده ترو مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی
جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل
و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت
حکومت اسلامی در ایران

- کنش های کارگران اخراجی صاپنا بدنبال تعطیلی کارخانه برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی
و معیشتی زیر سایه سکوت مسئولان

- روایت کارگران بیکار شده از هفته ها انتظار، نقص مدارک، قراردادهای ناپیدا و بلاتکلیفی میان
اداره کار و تأمین اجتماعی

- افزایش شاخص فلاکت کل کشور در زمستان 1404 به 74/2

چهار استان کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام با شاخص فلاکت بالای 90 در صدر

- قیمت نجومی «سیمکارت سفید» و «اینترنت پرو» در بازار سیاه

- حذف یارانه دانشجویی نمایشگاه بین المللی کتاب!

- چهل روز زندگی

در سایه جنگی که مال "ما" نیست

روزنوشت های زنی از تهران (۱۰)

/سال هاست که ما در میانه جنگ زندگی می کنیم. ۹۶، ۹۸، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۵. بسه دیگه. جنگ
نمی خواهیم. فقط یک زندگی می خواهیم...

گفتند و گفتند اما هیچ کس نگفت که: «بذار بزنه تا اینها برن» جمله‌ای که روزهای اول جنگ خیلی شنیده می‌شد. کسی از مسافران طرفداری از حکومت نمی‌کرد. اما همه‌شان ضد جنگ بودند. طرفدار حکومت هم نبودند چرا که با گوشت و پوست‌شان هر دو را لمس کرده بودند.

- اعدام محمد عباسی از بازداشتی‌های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 ملارد

- اعدام احسان افرشته

- اضافه شدن 6 ماه حبس تعزیری به محکومیت وریشه مرادی

- احضار گسترده دانشجویان دانشگاه تهران به کمیته انضباطی

- رکورد تازه نویسندگان زندانی در جهان؛ ایران دوم شد

- روزنامه‌نگار فلسطینی برنده جایزه شیرین ابو عاقله شد

- مرگ و مصدومیت 6 کارگر در تبریز بر اثر ریزش ساختمان

*کنش‌های کارگران اخراجی صاپنا بدنبال تعطیلی کارخانه برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی زیرسایه سکوت مسئولان

روز چهارشنبه 23 اردیبهشت، کارگران اخراجی کارخانه صاپنا از کنش‌هایشان برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی زیرسایه سکوت مسئولان طی 2 ماه گذشته بدنبال این واحد تولیدکننده انواع محصولات پلاستیکی (لوله‌های پلی‌اتیلن و PVC انواع اتصالات) واقع در شهرستان دلفان، استان لرستان خبر دادند.

بنابه گزارش رسانه‌ای شده، کارخانه صاپنا از حدود دو ماه پیش فعالیت خود را متوقف کرده و حدود ۵۰ کارگر بیکار شده و برای دریافت مقرری بیمه بیکاری اقدام کرده‌اند.

بر پایه اظهارات کارگران این کارخانه، کارفرما در ب‌های کارخانه را بسته و تعدادی کارگر به عنوان نگهبان مشغول محافظت از اموال کارفرما و تجهیزات کارخانه هستند.

کارگران در پیگیری وضعیت کارخانه، طی دو ماه گذشته چندین بار مشکلات خود را به نهادهای مربوطه اعلام کرده‌اند اما گویا گشایشی حاصل نشده است. این در حالی است که بهانه کارفرما برای توقف فعالیت کارخانه و بیکاری کارگران، کمبود مواد اولیه بوده است.

*روایت کارگران بیکار شده از هفته‌ها انتظار، نقص مدارک، قراردادهای ناپیدا و بلاتکلیفی میان اداره کار و تأمین اجتماعی

دایره سبز دور عکس‌های کاربران در لینکدین هر روز بیشتر می‌شود و این یعنی هر روز افراد بیشتری به جمع بیکار شده‌ها اضافه می‌شوند؛ اما این تازه ابتدای روندی فرسایشی برای درخواست بیمه بیکاری است.

پنج ساعت تلاش برای بارگذاری چند فایل، هفته‌ها انتظار برای دیده‌شدن یک پرونده، مراجعه‌های بی‌نتیجه به شعبه‌هایی که یا «سیستم‌شان قطع است» یا اساساً معلوم نیست مسئول رسیدگی به کدام پرونده‌اند و اضطرابی که هر روز با تمام‌شدن پس‌اندازها -البته اگر پس‌اندازی باشد- سنگین‌تر می‌شود؛ این روزها بیمه بیکاری برای بسیاری از نیروهای تعدیل‌شده نه یک حمایت اجتماعی، بلکه مسیری فرساینده و مبهم است. هم‌زمان با موج تازه تعدیل نیرو در برخی رسانه‌ها، شرکت‌ها و مجموعه‌های تولیدی، شمار متقاضیان بیمه بیکاری افزایش یافته اما بسیاری از متقاضیان می‌گویند آنچه در عمل با آن روبرو شده‌اند، فاصله زیادی با سازوکار حمایتی پیش‌بینی‌شده در قانون دارد؛ از قراردادهایی که هرگز به کارگران تحویل داده نشده تا سامانه‌هایی که مدام خطا می‌دهند. حالا بخشی از نیروهای بیکار شده می‌گویند برای گرفتن حداقل حقوق قانونی خود، باید از هفت‌خانی عبور کنند که پایانش هم چندان روشن نیست.

وقتی قرارداد فقط روی کاغذ کارفرماست

یکی از پرتکرارترین مشکلاتی که متقاضیان بیمه بیکاری از آن می‌گویند، نداشتن قرارداد کاری یا در اختیار نداشتن نسخه‌ای از قرارداد است؛ مسئله‌ای که به گفته فعالان رسانه‌ای، در بسیاری از محیط‌های شغلی، از رسانه‌ها تا شرکت‌ها به امری رایج تبدیل شده است. نبود قرارداد در رسانه‌ها موضوعی بسیار رایج است، تا جایی که برای خبرنگاران به مسئله‌ای جاافتاده تبدیل شده است. بسیاری از خبرنگاران و کارکنان رسانه‌ها می‌گویند سال‌ها در مجموعه‌های خبری کار کرده‌اند، اما یا هیچ قراردادی با آنها بسته نشده یا اگر قراردادی وجود داشته، نسخه‌ای از آن هرگز به دستشان نرسیده است. حالا همان قرارداد به یکی از مهم‌ترین مدارک لازم برای دریافت بیمه بیکاری تبدیل شده است. «سمیه» یکی از خبرنگاران تعدیل‌شده می‌گوید: «در خیلی از رسانه‌ها قرارداد امضا می‌کردیم اما هیچ نسخه‌ای به ما نمی‌دادند. الان سامانه از ما قرارداد شش ماه آخر را می‌خواهد، در حالی که چیزی دست‌مان نیست». او توضیح می‌دهد در ابتدا تصور می‌کرده نامه «عدم نیاز» برای ثبت درخواست کافی است، اما پس از بارگذاری مدارک، پیام نقص مدرک دریافت کرده و از او خواسته‌اند قرارداد شش ماه پایانی اشتغال را نیز بارگذاری کند. به گفته او، هیچ توضیح شفافی درباره مدارک لازم در سامانه وجود ندارد و متقاضیان فقط پس از چند بار رد شدن پرونده متوجه می‌شوند دقیقاً چه چیزی باید ارائه کنند.

بر اساس توضیحاتی که درباره شرایط ثبت درخواست بیمه بیکاری منتشر شده، مشمولان بیمه تأمین اجتماعی که بدون میل و اراده خود بیکار شده باشند، می‌توانند با ثبت درخواست در سامانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند. در این توضیحات تأکید شده ارائه مدارکی مانند قرارداد کار، نامه عدم نیاز، مدارک هویتی و سوابق بیمه از جمله الزامات تشکیل پرونده است؛ اما مسئله فقط نبود قرارداد نیست. برخی متقاضیان می‌گویند اساساً در طول سال‌های اشتغال بیمه آنها به‌صورت کامل رد نشده یا با تأخیر پرداخت شده است؛ موضوعی که حالا در زمان درخواست بیمه بیکاری، به مانعی تازه تبدیل شده است.

سامانه‌ای که قرار بود راه نجات باشد

بخش بزرگی از انتقادات به سامانه اینترنتی ثبت درخواست بیمه بیکاری برمی‌گردد؛ سامانه‌ای که قرار بود فرایند دریافت مقرری را ساده‌تر و شفاف‌تر کند اما حالا برای بسیاری از متقاضیان، به بزرگترین مانع تبدیل شده است.

کاربران در شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه لینکدین از روند کند بررسی پرونده‌ها، پیام‌های تکراری نقص مدرک، خطاهای مداوم هنگام بارگذاری فایل‌ها و نبود مسیر مشخص برای پیگیری گلایه کرده‌اند. برخی می‌گویند هفته‌ها و حتی ماه‌ها از ثبت درخواستشان گذشته اما هنوز پرونده آنها توسط کارشناس دیده نشده است. یکی از کاربران لینکدین می‌گوید: «هفته‌ها طول می‌کشد تا کارشناس بیمه بیکاری پرونده را ببیند. بعد دوباره پرونده هفته‌ها در مرحله ارجاع به تأمین اجتماعی می‌ماند. هیچ مسیری هم برای پیگیری وجود ندارد. صفحه تماس با ما خالی است و وقتی هم با تأمین اجتماعی تماس می‌گیری، پاسخ مشخصی نمی‌دهند». او می‌گوید انتظار داشته با الکترونیکی شدن فرایندها، زمان رسیدگی کوتاه‌تر شود اما تجربه‌ای کاملاً برعکس داشته است: «وقتی سامانه‌ای راه‌اندازی می‌شود، قرار است کار مردم راحت‌تر شود نه اینکه آدم برای یک ثبت درخواست ساده روزها درگیر باشد». «دنیا»، یکی دیگر از متقاضیان، می‌گوید تقریباً از هفته سوم فروردین درگیر ثبت درخواست خود بوده و هنوز وضعیت پرونده‌اش مشخص نیست. او توضیح می‌دهد سامانه بارها هنگام بارگذاری مدارک خطا داده و هر بار مدرک تازه‌ای از او خواسته شده است. آن‌طور که دنیا می‌گوید، اول فکر می‌کرده فقط باید گواهی عدم نیاز را بارگذاری کند، بعد متوجه می‌شود قرارداد می‌خواهد، بعد مدرک تحصیلی، بعد گواهی مهارت. در نهایت سمیه شکایت می‌کند که هیچ‌جا مشخص نکرده‌اند برای ثبت درخواست‌ها دقیقاً چه مدارکی لازم است. او به سختی آپلودکردن مدارک اشاره می‌کند؛ حتی فایل‌هایی که از نظر حجم مطابق استاندارد سامانه بوده نیز بارگذاری نشده‌اند: «چند بار قرارداد را با گوشی آپلود کردم اما بعد دوباره پیام داد که بارگذاری نشده است. آخر مجبور شدم با لپ‌تاپ امتحان کنم، باز هم نشد و در نهایت با سختی و چند ساعت تلاش توانستم چند عکس را در سایت قرار دهم». او معتقد است در موج تعدیل‌های اخیر، افراد زیادی از جمله کارگران یا افراد با سن بالا و تحصیلات پایین هستند که با اینترنت و سامانه‌های آنلاین آشنایی چندانی ندارند، احتمالاً در این فرایند با مشکلات جدی‌تری مواجه می‌شوند: «من خبرنگارم و کارم با سایت و اینترنت است اما برای ثبت همین درخواست شاید پنج ساعت مداوم پشت لپ‌تاپ بودم. حالا تصور کنید کارگری که هیچ تجربه‌ای در این زمینه ندارد، چطور باید این مراحل را طی کند.»

بلا تکلیفی میان اداره کار و تأمین اجتماعی

قضیه با سختی آپلود و مشکلات آنلاین تمام نمی‌شود. بسیاری از متقاضیان می‌گویند پس از ثبت درخواست، در نوعی بلا تکلیفی میان اداره کار و سازمان تأمین اجتماعی گرفتار می‌شوند؛ جایی که هیچ‌کدام مسئولیت تأخیرها را نمی‌پذیرند و متقاضی نیز نمی‌داند دقیقاً باید از چه نهادی پاسخ بخواهد. «مریم»، یکی دیگر از متقاضیان بیمه بیکاری، می‌گوید برای پیگیری پرونده‌اش به شعبه مراجعه کرده اما پس از ساعت‌ها انتظار تنها پاسخی که شنیده این بوده که «سیستم قطع است». او حتی نمی‌دانسته پرونده‌اش در کدام شعبه ثبت شده و برای پیگیری باید به کجا مراجعه کند. او می‌گوید: «هیچ‌کس دقیق توضیح نمی‌دهد پرونده در چه مرحله‌ای است. فقط می‌گویند صبر کنید». «مریم» که پیش‌تر نیز برای شکایت از یکی از کارفرمایانش به اداره کار مراجعه کرده بود، تجربه خود را «فاجعه‌بار» توصیف می‌کند. او می‌گوید در آن مراجعه دیده که بسیاری از کارگران حتی نمی‌دانند

چطور باید فرم‌ها را پر کنند یا حقشان را پیگیری کنند: «کارگرانی را می‌دیدم که سواد خواندن و نوشتن نداشتند و کسی هم نبود راهنمایی‌شان کند.»

او همچنین ادعا می‌کند در برخی موارد، نمایندگان کارفرماها پس از پایان ساعت اداری به بخش بایگانی دسترسی داشته‌اند و پرونده‌ها را بررسی می‌کرده‌اند؛ موضوعی که اگر درست باشد، پرسش‌های جدی درباره امنیت و محرمانگی پرونده‌های کارگری ایجاد می‌کند. مریم می‌گوید در یکی از شکایت‌هایش، کارفرما اساساً منکر اشتغال او شده بود: «با اینکه معرفی‌نامه رسمی، مکاتبات اداری و اسناد متعدد داشتم، باز هم رأی به نفع کارفرما صادر شد». او معتقد است اگر یک فرد تحصیل‌کرده که با رسانه‌ها در ارتباط است و با دسترسی به اسناد و امکان رسانه‌ای کردن موضوع نتواند حق خود را بگیرد، شرایط برای کارگران عادی بسیار دشوارتر خواهد بود.

اضطراب معیشتی پشت هر پرونده

در میان تمام مشکلات اداری و فنی، آنچه بیش از همه در روایت متقاضیان تکرار می‌شود، اضطراب معیشتی است. بسیاری از نیروهای تعدیل‌شده می‌گویند نه‌تنها شغل خود را از دست داده‌اند، بلکه هیچ چشم‌انداز روشنی درباره زمان دریافت مقرری بیمه بیکاری هم ندارند.

یکی از متقاضیان می‌گوید: «من مجردم و هنوز خانواده کمکم می‌کنند، اما مدام به این فکر می‌کنم که کسی که زن و بچه دارد و فقط یک حرفه بلد بوده، الان باید چه کار کند؟». به گفته او، بسیاری از نیروهای کار سال‌ها در یک حوزه تخصصی مشغول بوده‌اند و امکان تغییر سریع شغل برای‌شان وجود ندارد: «کسی که 20 سال در یک کارخانه جوشکاری کرده، نمی‌تواند یک‌شبه وارد شغل دیگری شود». برخی متقاضیان همچنین از شیوه‌های نظارتی پس از دریافت بیمه بیکاری انتقاد می‌کنند. یکی از آنها می‌گوید گزارش‌هایی دیده که در آن مأموران برای بررسی وضعیت اشتغال افراد به محل زندگی یا سراغ همسایه‌ها رفته‌اند. او می‌گوید: «اگر بیمه بیکاری حق قانونی کارگر است، چرا باید دریافتش همراه با این میزان فشار و تحقیر باشد؟»

چهار ماه انتظار برای اولین واریزی

«الهام» یکی دیگر از متقاضیان بیمه بیکاری است که روند دریافت مقرری را از مهرماه آغاز و نخستین پرداخت خود را تازه در اواخر بهمن دریافت کرده است. او می‌گوید در مرحله نخست، پرونده‌اش در وزارت کار طی 48 ساعت بررسی شده اما پس از انتقال به شعبه بیمه، روند رسیدگی عملاً متوقف شده است. به گفته او، چندین بار با سامانه پشتیبانی تماس گرفته اما هر بار پاسخ شنیده اساساً پرونده‌ای برایش تشکیل نشده است. پس از هفته‌ها پیگیری، در نهایت پیامکی دریافت کرده که پرونده‌اش تأیید شده و به شعبه مربوطه ارجاع داده شده است. الهام ادامه می‌دهد: «هیچ‌کس دقیق نمی‌گوید پرونده در چه مرحله‌ای است. مدام باید سایت را چک کنی یا زنگ بزنی. تلفن شعبه‌ها هم معمولاً جواب داده نمی‌شود». او همچنین از مشکلات مربوط به شماره حساب بانکی سخن می‌گوید. به گفته او، در ابتدا اعلام شده بود حساب بانکی‌های مختلف قابل استفاده است اما در روزهای پایانی به او گفته‌اند باید حساب بانکی ملی ارائه دهد و همین مسئله باعث تأخیر بیشتر شده است. الهام توضیح می‌دهد در نهایت نخستین پرداخت بیمه بیکاری برای سه ماه گذشته به صورت یکجا واریز شده، اما پس از آن دوباره روند پرداخت‌ها نامنظم شده است: «احساس می‌کنی در یک بلا تکلیفی

دائمی هستی. هیچ‌کس پاسخ روشنی نمی‌دهد و فقط باید هر روز سایت را رفرش کنی، ببینی شاید خبری شده باشد.»

یکی دیگر از مسائل مورد انتقاد متقاضیان، قطع بیمه بیکاری پس از اشتغال کوتاه‌مدت یا پروژه‌ای است. یکی از متقاضیان می‌گوید فقط برای دو روز در یک پروژه همکاری کرده اما پس از آن مقرری بیمه بیکاری‌اش قطع شده است. این موضوع برای بسیاری از نیروهای بیکار شده نگران‌کننده است؛ زیرا در شرایط اقتصادی فعلی، بسیاری از افراد ناچارند برای تأمین حداقل هزینه‌های زندگی، کارهای کوتاه‌مدت یا پروژه‌ای انجام دهند. با این حال طبق قانون، اشتغال مجدد حتی به صورت موقت، می‌تواند منجر به قطع مقرری شود.

پاسخ وزارت کار به انتقادها

خبرنگار رسانه نویسنده این گزارش بتاريخ 23 اردیبهشت، برای پیگیری ماجرا به سراغ بیمه تأمین اجتماعی می‌رود اما روابط عمومی این سازمان تأکید کرد این موضوع به آنها مربوط نمی‌شود و وزارت کار متولی است. پروانه رضایی‌بختیاری، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است و در پاسخ به پرسش‌ها درباره انتقادهای مطرح‌شده، تأکید می‌کند فرایند ثبت درخواست بیمه بیکاری به صورت کامل الکترونیکی و از طریق سامانه وزارت کار انجام می‌شود. او درباره گلیه متقاضیان از دشواری ثبت مدارک می‌گوید بخشی از مشکلات به نداشتن امکانات لازم برای اسکن مدارک یا پایین بودن سطح سواد دیجیتال برخی متقاضیان برمی‌گردد و به‌همین دلیل افراد ناچار می‌شوند به دفاتر پیشخوان، کاریابی‌ها یا کافی‌نت‌ها مراجعه کنند. به گفته معاون روابط کار وزارت کار، «در حال حاضر آلود مدارک کمتر از نیم‌ساعت زمان می‌برد» و اختلال یا کندی اینترنت نیز می‌تواند در روند ثبت درخواست مؤثر باشد. او همچنین درباره دلایل نقص مدارک توضیح می‌دهد نبود مهر کارفرما روی اسناد، ناقص بودن اطلاعات قرارداد، اشتباه در انتخاب استان یا منطقه، ثبت نادرست شماره حساب، نداشتن سابقه بیمه کافی یا ثبت درخواست خارج از بازه 30 روزه می‌تواند باعث ثبت نقص مدارک شود. رضایی‌بختیاری همچنین تأکید می‌کند طبق ماده 8 آیین‌نامه اجرائی قانون بیمه بیکاری، در شرایط عادی روند برقراری مقرری باید ظرف 40 روز انجام شود؛ مشروط بر اینکه مدارک کامل باشد و نقصی در پرونده وجود نداشته باشد. او همچنین توضیح می‌دهد طبق ماده 6 قانون بیمه بیکاری، فرد متقاضی باید حداقل شش ماه سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد، هرچند برای افرادی که به دلیل شرایط ناشی از جنگ بیکار شده‌اند، استثنایی در نظر گرفته شده است و بیمه بیکاری طبق جدول ماده 7 قانون بیمه بیکاری، براساس سابقه پرداخت حق بیمه برای مجردان از شش ماه تا 36 ماه و برای متأهلان و متکفلان از 12 ماه تا 50 ماه قابل پرداخت است. معاون روابط کار وزارت کار درباره قطع بیمه بیکاری پس از اشتغال کوتاه‌مدت نیز می‌گوید: «به محض اشتغال مجدد، حتی اگر اشتغال موقت یا چندروزه باشد، مقرری بیمه بیکاری طبق قانون قطع خواهد شد».

فاصله میان قانون و تجربه زیسته کارگران

اگرچه قانون بیمه بیکاری با هدف حمایت از نیروی کار در دوران بیکاری تدوین شده، اما روایت‌های میدانی نشان می‌دهد میان متن قانون و تجربه واقعی متقاضیان فاصله‌ای جدی وجود دارد.

بسیاری از نیروهای تعدیل‌شده می‌گویند در شرایطی که ناگهان شغل خود را از دست داده‌اند، انتظار داشته‌اند دست‌کم روند دریافت حمایت قانونی ساده، سریع و شفاف باشد، اما آنچه تجربه کرده‌اند ترکیبی از سامانه‌های ناکارآمد، بوروکراسی پیچیده، پاسخ‌های متناقض و انتظارهای طولانی بوده است. در این میان مسئله قراردادهای کاری شاید یکی از مهم‌ترین بحران‌های پنهان بازار کار ایران باشد؛ جایی که بخشی از کارگران سال‌ها بدون قرارداد رسمی یا بدون دریافت نسخه‌ای از قرارداد مشغول به کار بوده‌اند و حالا در زمان بیکاری، عملاً مدرکی برای اثبات اشتغال خود ندارند. برای بسیاری از این افراد، بیمه بیکاری فقط یک حمایت مالی موقت نیست، بلکه آخرین امید برای عبور از دوره‌ای است که با تعدیل نیرو، تورم، کاهش امنیت شغلی و ناپایداری اقتصادی هم‌زمان شده است.

همین مسئله باعث شده هر اختلال در سامانه، هر نقص مدرک و هر هفته تأخیر، به صورت مستقیم به اضطراب معیشتی و روانی متقاضیان گره بخورد. روایت‌های متقاضیان بیمه بیکاری نشان می‌دهد مسئله فقط کندی یک سامانه یا پیچیدگی یک فرایند اداری نیست؛ مسئله اصلی، احساس بی‌پناهی کارگرانی است که پس از سال‌ها پرداخت حق بیمه، حالا برای استفاده از همان حق قانونی نیز باید میان سامانه‌ها، شعبه‌ها و پاسخ‌های مبهم سرگردان شوند؛ کارگرانی که بسیاری از آنها هنوز نمی‌دانند پرونده‌شان دقیقاً در کدام مرحله مانده و قرار است چه زمانی نخستین حمایت قانونی به حساب‌شان واریز شود.

***افزایش شاخص فلاکت کل کشور در زمستان 1404 به 74/2**

چهار استان کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام با شاخص فلاکت بالای 90 در صدر

زمستان 1404 برای اقتصاد ایران فقط یک فصل سرد نبود؛ داده‌ها نشان می‌دهند شاخص فلاکت کشور در این فصل به بالاترین سطح خود از ابتدای 1400 رسید.

برپایه گزارش رسانه‌ای شده بتاريخ 23 اردیبهشت، شاخص فلاکت کل کشور در زمستان 1404 به 74/2 واحد افزایش یافته؛ عددی که از جمع تورم نقطه‌ای فصلی و نرخ بیکاری به دست آمده و تصویری فشرده از فشار هم‌زمان قیمت‌ها و بازار کار ارائه می‌دهد.

نکته مهم آن است که این جهش بیشتر از آنکه محصول بدتر شدن بازار کار باشد، حاصل صعود تورم بوده است.

نرخ بیکاری کل کشور در زمستان 1404 معادل 7/6 درصد ثبت شده، اما تورم نقطه‌ای فصلی به 66/6 درصد رسیده است.

در نقشه استانی نیز تصویر نگران‌کننده‌تر می‌شود؛ 24 استان شاخصی بالاتر از عدد کل کشور دارند و چهار استان کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام با شاخص بالای 90، در صدر جدول فلاکت ایستاده‌اند.

***قیمت نجومی «سیم‌کارت سفید» و «اینترنت پرو» در بازار سیاه**

بازار سیاه اینترنت پرو نتیجه مستقیم حکمرانی ضعیف در حوزه فضای مجازی و اینترنت توصیف شده است.

اینترنت که قرار بود یک حق شهروندی باشد، اکنون به کالایی تجاری و گران‌قیمت تبدیل شده است. اینترنت پرو و دسترسی بدون فیلتر از طریق کانال‌های غیررسمی و بازار سیاه فروخته می‌شود. بنا به گزارش رسانه ای شده بتاريخ 23 اردیبهشت، قیمت 50 گیگ اینترنت پرو در بازار سیاه تا حدود 12 میلیون تومان اعلام شده است. سیم‌کارت‌های سفید با وعده اینترنت بدون فیلتر با قیمت‌هایی بین 44 تا 120 میلیون تومان فروخته می‌شوند.

فقط افشار مرفه توان دسترسی به اینترنت بدون محدودیت را دارند و این مسئله شکاف دیجیتالی را تشدید کرده است.

کسب‌وکارهای آنلاین و دیجیتال از محدودیت اینترنت و هزینه‌های دسترسی آسیب جدی دیده‌اند. سیاست‌های فیلترینگ و محدودسازی، خود زمینه‌ساز رشد بازار سیاه اینترنت و فیلترشکن‌ها شده است.

این گزارش بازار سیاه اینترنت را در کنار بازار سیاه خودرو، دارو، ارز و طلا نشانه گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران می‌داند.

***حذف یارانه دانشجویی نمایشگاه بین‌المللی کتاب!**

با اعلام برگزارکنندگان هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران، برخلاف سال‌های گذشته، در نمایشگاه مجازی امسال، یارانه‌ای برای خرید کتاب به دانشجویان و اساتید اختصاص داده نشده و یارانه حمایتی دانشگاهیان حذف گردیده است.

با توجه به افزایش افسارگسیخته قیمت کتاب‌های دانشگاهی و وضعیت بازار نشر، طرح تخفیف عمومی 20 درصدی برای همه خریداران و حذف یارانه دانشگاهیان، برای جامعه دانشجویان، استادان و پژوهشگران رضایت‌بخش نبوده و اعتراض ایشان را به همراه داشته است.

صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***چهل روز زندگی**

در سایه جنگی که مال "ما" نیست

روزنوشت‌های زنی از تهران (۱۰)

سال‌هاست که ما در میانه جنگ زندگی می‌کنیم. ۹۶، ۹۸، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۵. بسه دیگه. جنگ نمی‌خواهیم. فقط یک زندگی می‌خواهیم...

گفتند و گفتند اما هیچ کس نگفت که: «بذار بزنه تا اینها برن» جمله‌ای که روزهای اول جنگ خیلی شنیده می‌شد. کسی از مسافران طرفداری از حکومت نمی‌کرد. اما همه‌شان ضد جنگ بودند. طرفدار حکومت هم نبودند چرا که با گوشت و پوست‌شان هر دو را لمس کرده بودند.

ه- ص

می‌گفت: شب‌ها تا نیمه‌های شب، خیابان‌ها قرق ماشین‌ها و آدم‌های پرچم به دست‌اند. یک شب برای خرید دارو باید به داروخانه می‌رفتم. تا راهی خیابان شدم، صدای چهار انفجار می‌خکوبم کرد. برگردم، برنگردم؟ بالاخره دل به دریا زدم و به طرف میدان و سمت داروخانه شبانه‌روزی محل به راه افتادم. فضا فضای حکومت نظامی بود. ماشین‌های زره‌پوش، نیروهای با لباس‌های نظامی و مسلسل‌های آویخته بر شانه و لباس‌شخصی‌ها که سر هر کوچه در دسته‌های کوچک ایستاده بودند. کسی از مردم محل توی خیابان نبود. فقط بی‌خانمان‌ها با کیسه‌های پر از زباله‌های بازیافتی در تردد بودند. حتماً به امید گرفتن غذا و خوراکی به سمت ایستگاه‌های صلواتی دور میدان می‌رفتند. صدای شعار و نوحه و حیدر حیدر خیابان را پر کرده بود. کاروانی از ماشین‌ها به سمت غرب در حال حرکت بودند. پرچم‌ها از پنجره‌ها بیرون و با جریان هوا در رقص بودند. پشت پنجره بسیاری از ماشین‌ها بچه‌هایی را می‌شد دید در هر سنی. خوشحال از این گردش‌های شبانه خیابان را نظاره می‌کردند. هر چه به میدان نزدیکتر می‌شدی، افراد ماموران مسلح بیشتر می‌شد. راستی این سلاح‌ها به چه کار می‌آید؟ مگر قرار است چتربازان امریکایی و اسرائیلی از هوا بر سرمان ببارند؟ یا اینکه مثل همیشه این سلاح‌ها برای مردم است؟ در میدان سه گروه ده بیست نفره، با تکان دادن پرچم، از کاروان ماشین‌ها استقبال می‌کردند. چادرهایی هم به‌عنوان ایستگاه‌های نقاشی و سرگرمی کودکان و بساط چای و غذا برپا بود.

می‌گفت: حس غریبی داشتم. خشم، عصبانیت، ترس... آری لابه‌لای احساس‌های دیگر ترس هم لانه کرده بود. ترس از مورد هجوم قرار گرفتن از بالای سر و از آسمان یا از روبه‌رو و پشت سر. با مسلسل و یا با موشک. از دیدن این همه آدم که حیدر حیدرکنان خیابان‌ها را در می‌نوردیدند، تازه فهمیدم که قدرت‌های توتالیتر چگونه با تبلیغات و برنامه‌های این‌چنینی هواداران‌شان را تهیج می‌کنند.

سرباز جوانی بود با دست پانسمان‌شده. با دوستی حرف می‌زد یا شاید هم با همسفری در اندک زمان سفر با مترو. می‌گفت: به فرماندهان می‌گفتیم بذار بریم. مرخصی بده. همه‌اش می‌گفت: «سرباز قوی باش، شجاع باش.» تکیه‌کلامش بود. آن روز خسته شده بودم. به محوطه سبز محل خدمتم رفتم که کمی نفس بکشم که صدای انفجاری بزرگ شنیدم و همزمان موج انفجار پرتابم کرد. درست یادم نیست چه اتفاقی افتاد. فقط یادمه همراه با ماشینی در حال پرواز در هوا بودم. انگار همان ماشین فرشته نجاتم شده بود و مثل سپری ترکش‌ها را گرفته بود. در بیمارستان چشم باز کردم. کمی که حالم بهتر شد و توانستم حرف بزنم از حال همقطارانم پرسیدم و متوجه شدم آن روز، در آنجا فقط من و یک سرباز دیگر زنده مانده‌ایم. حتا فرماندهان هم رفته است. آن همقطارم حالش بدتر از من است. تکه‌ای سیمان از ساختمانی نصف صورتش را برده است.

می‌گفت: با دوستم که پرستار است تماسی گرفتم که حال و احوال کنم. حالش اصلا خوب نبود. قرار گذاشتم هم را ببینیم. توی پارک قدم می‌زدیم و حرف می‌زد. گفتم: «اگر اذیت می‌شی نگو». گفت: «نه آمده‌ام که حرف بزنی. دارم دق می‌کنم. مگر ما کادر درمان چقدر تحمل داریم؟ هنوز یادم نرفته بود که توی دی‌ماه چی گذشت که جنگ شروع شد. آن روزها را اصلا نمی‌شود فراموش کرد. زخمی پشت زخمی، سر شکافته، شکم و پهلوی پاره شده، چشم‌های پر خون و ساچمه، رگ‌های پاره شده و فوران خون، آن قدر وقت نداشتیم که حتا وقتی مجروحی می‌مرد او را با برانکارد ببرند. جسدش را روی زمین می‌انداختیم تا تخت برای مجروح بعدی باز شود و بتوانیم با سرعت بیشتری به زنده‌ها برسیم. انگار که در پشت جبهه مشغول رسیدگی به زخمی‌های جنگ بودیم و حالا باز هم جنگ، زخمی‌های این جنگ را هم باید درمان کنیم. جنگی که معنایش را نمی‌فهمم. نمی‌فهمم آنهایی را که فریاد می‌زنند و تشکر می‌کنند از «بی‌بی» و «ترامپ» و می‌خواهند که بزنند و می‌گویند مردم را که نمی‌زنند. اگر اینجا بودند، اگر جای ما این همه مردم غیرنظامی زخمی را می‌دیدند باز هم تقاضای موشک‌باران را می‌کردند؟ تصورشان از جنگ خیلی شیک و سینمایی است مثل خودشان. سال‌هاست که ما در میانه جنگ زندگی می‌کنیم. ۹۶، ۹۸، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۵. بسه دیگه. جنگ نمی‌خواهیم. فقط یک زندگی می‌خواهیم...» و بغضش ترکیب و گریه نگذاشت ادامه دهد. پاسخی نداشتم. فقط در آغوش گرفتم تا یک دل سیر گریه کند.

مادر نودساله‌ای بود که به اصرار دخترش به شمال آمده بود. تا به حال زنی به این سن و سال و اینقدر قیصر و سرحال ندیده بودم. توی کوچه‌های خاکی روستا قدم می‌زد. می‌گفت: خانه خودم را می‌خواهم. پنجاه سال است که آنجا زندگی می‌کنم. کوچه‌ها و خانه‌ها و آدم‌هایش را می‌خواهم. همه منو می‌شناسن. بقالی، سبزی‌فروشی، میوه‌فروشی، همسایه‌ها. اصلا تنها نیستم. ولی اینجا چیه؟ توی کوچه هم که می‌آیی کسی نیست. به ندرت آدم رد می‌شه. همه‌شون توی ویلاهاشونن. یه همسایه دارم یه دختر گل. نمی‌دانی چقدر مهربونه. عاشقشم. هر کاری دارم برام انجام می‌ده هوامو داره. همه چیزم اینجا به هم خورده. غذا نمی‌تونم بخورم، خوابم درست نیست. حوصله‌ام سر می‌ره. دارم دیوونه می‌شم. می‌گم بذارین برگردم خونه‌ام. مگه چقدر می‌خواهم زنده بمانم. می‌گم خیابون ما را نمی‌زنه. کسی توی خیابون ما توی این محله قدیمی نمی‌آید قایم بشه که بخوان بزننش. ولی دخترم گوش نمی‌کنه.

می‌گفت: «روز آخر ضرب‌العجل بود. تهدید که نیروگاه‌ها و پل‌ها و راه‌آهن را می‌زند و ایران را به عصر حجر برمی‌گرداند. کرج بودم که ساعت حدود ده خواهرم تماس گرفت. شنیده بود که راه‌آهن تهران را زده‌اند. نگران بود. (بازار شایعات داغ داغ) بهش اطمینان دادم و آرامش کردم. اما اضطرابی که سعی می‌کردم با کار آرامش کنم، دوباره به جانم افتاد. به راه افتادم تا به تهران برگردم. انگار در تهران خبری بود و من اگر بر نمی‌گشتم عقب می‌ماندم. توی مترو، دختر جوانی می‌پرسید: «یعنی مترو را هم می‌زنند؟ من خیلی می‌ترسم. کرایه ماشین‌های سواری خیلی گران است و نمی‌توانم

سوار شوم. فقط تا تهران برسیم بقیه راه که زیر زمین است، امن است.» تازه یادم افتاد که مترو هم قطار است و روی ریل حرکت می‌کند و در مسیرش هم کلی پل هست. اما دلداری‌اش دادم که: «نگران نباش. نگفته که مترو را می‌زند.» سوار قطار که شدیم پسر جوانی با گیتار جلو آمد و شروع به صحبت کرد: «کارت‌خوان ندارم، اما شماره کارت دارم. اگر دلتان خواست و از ترانه‌ام خوش‌تان آمد، مبلغی برایم بریزید... حالا چه ترانه‌ای را می‌خواهید؟» خوش‌زبانی می‌کرد. چند تا پیشنهاد داد. گیتارش را کوک کرد و شروع به خواندن کرد. هنوز از جمله اول به جمله دوم ترانه نرسیده بود که صدای انفجاری صدای گیتارش را تحت‌الشعاع قرار داد. مسافران سراسیمه به سمت پنجره‌ها رفتند. دود سیاهی پشت قطار کمی دورتر از مسیر، به سمت آسمان بالا می‌رفت. همه‌ها بود و نگرانی و اظهار نظر:

«آخه هنوز به پایان مهلت‌شان که چند ساعتی باقی مانده، چرا الان شروع کرده‌اند؟»

«کی قول‌شان قول بوده که حالا عمل کنند؟»

«بابا نگران نباشید، هر چی خدا بخواد همون میشه.»

«راه‌آهن که فقط مال حمل و نقل نیروها نیست.»

«آره بابا. پس بیایند سوپری‌ها را هم بزنند، آخه نیروها از اونجاها آب می‌خرن.»

«می‌خواست به مردم کمک کنه، حالا مردم می‌زنه.»

«آخه با برق مردم چه کار دارید؟ بدون برق چه جوری زندگی کنیم؟»

و...

گفتند و گفتند اما هیچ کس نگفت که: «بذار بزنه تا اینها برن» جمله‌ای که روزهای اول جنگ خیلی شنیده می‌شد. کسی از مسافران طرفداری از حکومت نمی‌کرد. اما همه‌شان ضد جنگ بودند. طرفدار حکومت هم نبودند چرا که با گوشت و پوست‌شان هر دو را لمس کرده بودند.

پسر نوازنده بار دیگر گفت: «خب ما را که نزد. پس من ادامه می‌دهم.» و دوباره شروع به خواندن کرد که صدای انفجار دیگری و باز هم ستون دودی در پشت قطار. مثل فیلم‌های سینمایی. انگار جنگنده داشت قطار را تعقیب می‌کرد و می‌زد. پسر جوان که خودش هم ترسیده بود، برای آرام کردن مسافران با خنده گفت: «باشه بابا، دیگه نمی‌زنم. نگران نباشید انگار دنبال منند و نمی‌خواهند من آوازی بخوانم.» بهش گفتم شده‌ای مثل نوازنده‌های کشتی تایتانیک. خنده‌ای کرد گیتارش را برداشت و پشت در رفت. زن جوانی دنبالش دوید و ازش شماره کارت گرفت. گفت به محضی که بتونم کمی برایت واریز می‌کنم. پسر نوازنده گفت اما من که نخواندم. کمی بعد در اولین ایستگاه پیاده شد. بعد فهمیدیم که آن موقع پل راه‌آهن کرج را زده است.

...ادامه دارد

منبع: کانال کانون صنفی معلمان ایران

* اعدام محمد عباسی از بازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 ملارد

روز چهارشنبه 23 اردیبهشت، میزان خبرگزاری قوه قضاییه حکومت اسلامی از اعدام محمد عباسی از بازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 ملارد در زندان قزلحصار خبر داد.

* اعدام احسان افرشته

بر پایه گزارش میزان خبرگزاری قوه قضاییه حکومت اسلامی، روز چهارشنبه 23 اردیبهشت، احسان افرشته فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی عمران با تخصص در حوزه فناوری اطلاعات به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام شد.

* اضافه شدن 6 ماه حبس تعزیری به محکومیت وریشه مرادی

بر اساس گزارش های منتشره در شبکه های اجتماعی، 6 ماه حبس تعزیری به محکومیت وریشه مرادی زندانی در اوین بدلیل گرامیداشت یاد اعتراضات سراسری 1401 همزمان با سالگردش اضافه شد.

* احضار گسترده دانشجویان دانشگاه تهران به کمیته انضباطی

بر اساس گزارش های رسیده به دانشجویان متحد، کمیته انضباطی دانشگاه تهران حداقل ۱۰ تا ۱۵ نفر از دانشجویان این دانشگاه را به صورت تلفنی احضار کرده و خواستار دریافت دفاعیه های ایشان از طریق ایمیل، برای تشکیل جلسه غیرحضورى کمیته انضباطی شده است.

بر اساس تبصره ماده ۸۲ شیوه نامه انضباطی ۱۴۰۳، تشکیل جلسه به صورت غیرحضورى یا تلفنى و اقدام به اخذ امضا اعضا [کمیته] برای صورتجلسه مربوطه، مجاز نبوده و احکام صادره به این طریق فاقد اعتبارند.

* رکورد تازه نویسندگان زندانی در جهان؛ ایران دوم شد

انجمن قلم آمریکا می گوید، شمار نویسندگان زندانی در جهان برای نخستین بار از ۴۰۰ نفر گذشته است. ایران با ۵۳ نویسنده زندانی، پس از چین، در رتبه دوم قرار دارد. این کشور یکی از کانون های اصلی موج تازه سرکوب معرفى شده است.

به گزارش دویچه وله، انجمن قلم آمریکا (پن) در تازه ترین گزارش سالانه خود درباره وضعیت آزادی بیان و سرکوب نویسندگان در جهان اعلام کرد که شمار نویسندگان زندانی در سال ۲۰۲۵ میلادی برای نخستین بار از زمان آغاز انتشار "شاخص آزادی نوشتن" در سال ۲۰۱۹، از مرز ۴۰۰ نفر عبور کرده است.

گزارش پن آمریکا که روز سه شنبه ۱۲ مه (۲۲ اردیبهشت) منتشر شد، از افزایش چشمگیر بازداشت نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران و فعالان فرهنگی در ایران نیز خبر می دهد.

بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۲۵ در مجموع ۴۰۱ نویسنده در ۴۴ کشور زندانی بوده‌اند؛ رقمی که در سال پیش از آن ۳۷۵ نفر در ۴۰ کشور بود. پن آمریکا می‌گوید، شمار نویسندگان زندانی طی هفت سال گذشته ۶۸ درصد افزایش یافته و این روند، نشانگر تشدید مداوم سرکوب آزادی بیان در جهان است.

چین همچنان با ۱۱۹ نویسنده زندانی، بزرگترین زندان نویسندگان جهان باقی مانده است، اما انجمن قلم آمریکا تأکید می‌کند که شدیدترین افزایش بازداشت‌ها در ایران ثبت شده است؛ جایی که مقام‌های جمهوری اسلامی در سال گذشته دست‌کم ۱۷ بازداشت تازه انجام داده‌اند و شمار نویسندگان زندانی را بار دیگر به سطح دوران اوج سرکوب اعتراض‌های "زن، زندگی، آزادی" نزدیک کرده‌اند.

کارین دویچ کارلکار، مدیر برنامه "نویسندگان در معرض خطر" در پن آمریکا، گفته است که مقام‌های جمهوری اسلامی "کارزاری به‌ویژه خشن علیه صداهای مستقل" به راه انداخته‌اند. به گفته او، شاعران، مترجمان، پژوهشگران، ترانه‌سرایان، تحلیلگران آنلاین، مدافعان حقوق بشر و ستون‌نویسان، همگی هدف بازداشت و سرکوب قرار گرفته‌اند، زیرا حکومت ایران می‌کوشد، "بحث، انتقاد و مخالفت" را خاموش کند.

بازگشت سرکوب به سطح دوره "زن، زندگی، آزادی"

به گزارش پن آمریکا، موج تازه سرکوب در ایران پس از جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل در خرداد و تیر ۱۴۰۴ شدت گرفت و علاوه بر چهره‌های شناخته‌شده منتقد، پژوهشگران و مترجمان را نیز دربرگرفت.

در میان افرادی که نامشان در گزارش آمده، از حسین رونقی، فعال مدنی و تحلیلگر آنلاین، پرویز صداقت و محمد مالجو، هر دو اقتصاددان، مهسا اسدالله‌نژاد، جامعه‌شناس، و شیرین کریمی، نویسنده و مترجم، یاد شده است.

پن آمریکا همچنین به بازداشت دوباره نرگس محمدی، برنده جایزه نوبل صلح، و سپیده قلیان، فعال مدنی، اشاره کرده که در جریان مراسم هفتم خسرو علی‌کردی، وکیل حقوق بشری که به شکلی مشکوک درگذشت، با خشونت انجام شد.

این گزارش تأکید می‌کند که ایران در سال ۲۰۲۵ یکی از سه کشوری بود که همزمان هم درگیر جنگ بوده و هم در میان ۱۰ زندانبان اصلی نویسندگان قرار داشته است. طبق این گزارش، دو مورد دیگر روسیه و "اسرائیل/سرزمین‌های اشغالی فلسطینی" هستند.

به گفته پن آمریکا، در هر سه مورد، نویسندگانی که در آثار، مقالات، موسیقی یا نوشته‌های خود مواضع ضد جنگ بیان کرده بودند، هدف بازداشت یا پیگرد قرار گرفته‌اند.

گزارش همچنین در بخش مربوط به ایران، به تصویب لایحه‌ای در مجلس شورای اسلامی اشاره کرده که مجازات‌های سنگین‌تری را برای اتهام‌های "جاسوسی" و "همکاری با کشورهای متخاصم" از جمله اسرائیل مجاز می‌کند؛ اتهام‌هایی که به گفته پن آمریکا، علیه برخی نویسندگان نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

این سازمان همچنین نوشته است که حمله هوایی اسرائیل به زندان اوین در ژوئن ۲۰۲۵، تهدیدی علیه امنیت زندانیان سیاسی و نویسندگان زندانی بوده است.

ایران؛ دومین زندان بزرگ نویسندگان

پن آمریکا در بخش رتبه‌بندی کشورها اعلام کرده است که ایران، پس از چین، با ۵۳ نویسنده زندانی در رتبه دوم زندانی کردن نویسندگان در جهان قرار دارد. این رقم نسبت به سال پیش از آن ۲۳ درصد افزایش نشان می‌دهد؛ افزایشی که به گفته گزارش، بازتاب تشدید سرکوب صداهای منتقد در بستر جنگ و بحران‌های داخلی است.

بر اساس این گزارش، ایران همچنین بالاترین نسبت نویسندگان زن زندانی را در جهان دارد. ۳۲ درصد نویسندگان زندانی در ایران زن هستند، در حالی که میانگین جهانی ۱۶ درصد است.

پن آمریکا از گلرخ ابراهیمی ایرانی، نویسنده و برنده جایزه "آزادی نوشتن پن/باربی" سال ۲۰۲۶، نیز نام برده است که به گفته این سازمان، با وجود چندین حکم زندان به اتهام‌هایی چون "تبانی" و "تبلیغ علیه نظام"، همچنان از داخل زندان اوین به فعالیت حقوق بشری خود ادامه می‌دهد.

پس از ایران، عربستان سعودی با ۲۷ نویسنده زندانی، ویتنام با ۲۴ نفر، ترکیه با ۲۲ نفر، "اسرائیل/سرزمین‌های اشغالی فلسطینی" با ۲۱ نفر، روسیه با ۱۸ نفر، بلاروس با ۱۷ نفر، مصر با ۱۳ نفر و میانمار با ۱۰ نفر در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

سرکوب جهانی؛ از چین تا آمریکا

گزارش پن آمریکا تصویری گسترده‌تر از سرکوب جهانی نویسندگان نیز ارائه می‌دهد. در چین، که همچنان در صدر فهرست قرار دارد، نویسندگان با نظامی "به‌شدت تنبیهی و محدودکننده" روبه‌رو هستند و ناشران برای پرهیز از زندان ناچار به خودسانسوری‌اند. در روسیه نیز بیشتر نویسندگان زندانی به دلیل مخالفت با جنگ اوکراین بازداشت شده‌اند.

در "اسرائیل/سرزمین‌های اشغالی فلسطینی" نیز، به گفته پن آمریکا، دست‌کم شش نویسنده به دلیل مواضع ضد جنگ بازداشت شده‌اند.

این گزارش همچنین از ورود نام ایالات متحده برای نخستین بار به "شاخص آزادی نوشتن" خبر داده است. پرونده آمریکا مربوط به بازداشت چند هفته‌ای سامی حمدی، تحلیلگر و ستون‌نویس بریتانیایی منتقد اسرائیل، توسط مأموران اداره مهاجرت ایالات متحده است؛ اقدامی که پن آمریکا آن را نمونه‌ای از استفاده ابزاری از سازوکارهای مهاجرتی برای خاموش کردن صداهای مستقل توصیف کرده است.

پن آمریکا هم‌زمان اعلام کرده که تعداد پرونده‌های فعال پایگاه داده "نویسندگان در معرض خطر" این سازمان، امسال برای نخستین بار از هزار مورد گذشته است. این پایگاه، ۱۰۵۹ مورد آزار و پیگرد نویسندگان در ۸۳ کشور را ثبت کرده که شامل ۵۳ قتل، ۱۳ ناپدیدسازی اجباری و ۱۷۰ مورد تبعید یا مهاجرت اجباری نویسندگان می‌شود.

کارین دویچ کارلکار در پایان این گزارش هشدار داده است که حمله به نویسندگان، صرفاً مسئله حمله به یک فرد یا یک کشور نیست، بلکه نشانه تهدیدی گسترده‌تر علیه آزادی اندیشه، خلاقیت و حق مخالفت در سراسر جهان است.

*روزنامه‌نگار فلسطینی برنده جایزه شیرین ابو عاقله شد

دومین دوره جایزه «شیرین ابو عاقله» در مراسمی در بروکسل به ظریفه ابوقوره، روزنامه‌نگار فلسطینی، اهدا شد.



این جایزه که از سوی فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران و اتحادیه بین‌المللی مطبوعات فرانسوی‌زبان بنیان‌گذاری شده، به پاس شجاعت و تعهد حرفه‌ای این خبرنگار در پوشش جنگ و بحران انسانی در غزه به او تعلق گرفت.

ظریفه ابوقوره در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی از وضعیت غیرنظامیان در غزه، حملات به مراکز توزیع غذا و شرایط انسانی در این منطقه تهیه کرده است. او همچنین در گزارش‌های تحقیقی درباره وضعیت پزشکان فلسطینی در بازداشتگاه‌های اسرائیل و موارد نقض حقوق بشر مشارکت داشته است.

روز چهارشنبه 23 اردیبهشت، فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران اعلام کرد هیئت داوران، شجاعت و حرفه‌ای‌گری ابوقوره را در شرایطی که خبرنگاران فلسطینی با خطرات جدی مواجه هستند، عامل اصلی انتخاب او دانسته است.

براساس آمار منتشرشده، از آغاز جنگ غزه در اکتبر 2023 تاکنون دست‌کم 235 روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای در فلسطین کشته شده‌اند.

جایزه شیرین ابو عاقله در سال 2024 به یاد خبرنگار فلسطینی-آمریکایی الجزیره بنیان گذاشته شد که در جریان پوشش عملیات نظامی اسرائیل در جنین کشته شد.

ظریفه ابوقوره در سخنرانی خود گفت که با وجود کشته شدن همکارانش و شرایط دشوار جنگ، به کار خبرنگاری ادامه داده است. او همچنین از روزنامه‌نگاران فعال در مناطق جنگی مختلف جهان تقدیر کرد.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در این مراسم بار دیگر خواستار پایان دادن به مصونیت عاملان قتل روزنامه‌نگاران و تضمین امنیت خبرنگاران در مناطق درگیری شد.

***مرگ و مصدومیت 6 کارگر در تبریز بر اثر ریزش ساختمان**

روز چهارشنبه 23 اردیبهشت، 6 کارگر حین کار بتن ریزی در در زیر زمین یک ساختمان در حال احداث واقع در منطقه نصر تبریز بر اثر ریزش ساختمان زیرتلی از آوار گرفتار شدند و 2 کارگر جان خود را از دست دادند و 4 کارگر دیگر مصدوم و به اورژانس تحویل شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com